

گونه شناسی و بررسی سفالینه‌های اسلامی باغ‌موزه‌ی اکبریه بیرجند

ریحانه مظفرنیا

کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، گرایش تمدن و فرهنگ اسلامی ایران و سرزمین‌های دیگر

چکیده

از آثار برجای‌مانده در باستان‌شناسی، سفالینه‌ها هستند که پایداری و ماندگاری مناسبی دارند. اشیاء سفالی با ویژگی‌های خاص خود آثار فرهنگی بسیار ارزشمندی محسوب می‌شوند که در معرفی فرهنگ و هنر جامعه نقش بسزایی دارد. در همین راستا به معرفی تعداد ۳۲ نمونه از ظروف سفالی دوره‌ی اسلامی که در خزانه‌ی موزه‌ی باغ اکبریه بیرجند نگهداری می‌شود و از طریق توقیف یا آثار موزه‌ی ملی ایران به‌دست آمده است، می‌پردازیم. در موزه‌های ایران نمونه‌هایی از سفال دوره‌ی اسلامی وجود دارد که برخی شناسنامه‌دار و برخی تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته است. در این پژوهش نخست مستندنگاری (ترسیم فنی و عکس‌برداری) انجام شده سپس با گردآوری اطلاعات به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتابخانه‌ها به روش توصیفی-تطبیقی ظروف سفالین دوره‌ی اسلامی موجود در خزانه‌ی موزه‌ی اکبریه بیرجند با نمونه‌های شناسنامه‌دار در سایر موزه‌ها تطبیق و مقایسه شد. هدف از این پژوهش، معرفی، مستندنگاری و شناسایی مراکز احتمالی ساخت این ظروف است؛ و پاسخ به این پرسش اساسی مد نظر است؛ که سفالینه‌های باغ‌موزه‌ی اکبریه از نظر گونه‌شناسی به چند نوع قابل تقسیم است؟ با مطابقت و مقایسه این سفالینه‌ها با نمونه‌های مشابه آن مربوط به کجا و چه دوره‌ای چنین بوده است که ظروف سفالی مورد مطالعه احتمالاً مربوط به دوره‌های مختلف اسلامی و به انواع ساده، لعاب‌دار، لعاب‌دار با تکنیک لعاب‌پاشیده، تک‌رنگ و غیره تقسیم می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سفال اسلامی، باغ‌موزه‌ی اکبریه بیرجند، دوره‌ی اسلامی، تطبیق نمونه‌های مشابه

۱- مقدمه

فلات ایران از گذشته تاریخ، یعنی از بدو ورود نخستین انسان به این سرزمین تا به امروز، کانونی برای ساخت و تولید آثار هنری و به‌ویژه سفالینه‌ها بوده است. سفال بخش مهمی از علم باستان‌شناسی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا روشن‌گر رویدادهای مهم و تاریک گذشته است. سفال و سفال‌گری در مقایسه با انواع هنرهای صناعی یکی از خلاقانه‌ترین دست‌آفریده‌های انسان نخستین بوده که بیشترین کاربرد را نیز در زندگی روزمره بشر داشت. پیشینه سفال‌گری در ایران، از ده هزار سال پیش براساس اکتشافات باستان‌شناسان، قابل مطالعه است. این ظروف در پی نیاز به ذخیره کردن غذا ساخته شده‌اند. با مطالعه‌ی دقیق سفال‌ها و نقوش آن‌ها، تاریخ غبارآلود و فراموش شده‌ی گذشته آشکار شده، در معرض دید محققان و دانش‌پژوهان قرار می‌گیرد. در ادامه نقوش روی سفالینه‌ها در طی هزاران سال تجلی‌گاه هنر اقوام مختلف، باورها و آئین‌های آن‌ها گردید. انواع نقوش گیاهی، هندسی و پیکروار (انسان و حیوانات) با جنبه‌ای تزئین توسط سفال‌گران طراحی و اجرا می‌شد. تا بازتابی از تصویر زندگی و باورهای مردم باشد. سفال پیام آور گذشته است و از زمان‌های دورسخن می‌گوید. هر زمان که باستان‌شناسان آثار برجای مانده از دوران گذشته را مورد کاوش قرار می‌دهند، این امکان وجود دارد که با یافتن یک سفال، بخش فراموش شده‌ای از تاریخ یا حلقه‌ی مفقوده سلسله یا حکومتی تکمیل گردد. سفال در شناخت ادیان و مذاهب و اساطیر باستانی نیز نقش بسزایی دارد و تاریخ بسیاری از وقایع مهم مذهبی را روشن و آشکار می‌کند. سفال در هنر مقام و منزلت بس ارجمندی دارد و با مطالعه‌ی آن به خوبی می‌توان به چگونگی ترقی و انحطاط هنر در ادوار مختلف و در میان اقوام آگاه گردید. سفال تاریخ مصور، آداب و رسوم، البسه، تزئینات و گاهی معماری ملت‌هاست. با مطالعه‌ی سفال‌ها، اسناد و نمادهای دینی، تصویرالهی‌ها و ایزدان و شعارهای مقدس مشخص می‌شود. طبق مدارک باستان‌شناسی، نواحی کرمانشاه، حاشیه‌ی دریای خزر، فلات مرکزی ایران و... در پیشرفت و توسعه‌ی هنر سفال‌گری نقش مهمی داشته‌اند. نقوش متداول این دوره بر روی سفالینه نمایان‌گر باورها، سنت‌ها و اعتقادات مردمان آن روزگار است. سفال‌گران هنرمند نقوش هندسی، گیاهی، حیوانی و انسانی را به شیوه‌های گوناگون، چون مسبک ساخته و پرداخته‌اند. سفال‌سازی در دوره‌ی مادها شامل سفال‌های کرم‌رنگ و خشت یا آجرهای منقوش بود و در دوران امپراطوری هخامنشی با رایج شدن لعاب‌کاری در انواع ظروف و تزئینات معماری توسعه یافت. در اواسط دوره‌ی اشکانی فرم و کیفیت بدنه‌ی سفالینه‌ها با دقت و ظرافت بیشتری ساخته شدند و لعاب نیز شفاف‌تر شد. استادان فن سفال‌سازی دوران ساسانی، زحمات بسیاری در پیشرفت شیوه‌های ساخت بدنه و لعاب کشیده و با استفاده از انواع مواد معدنی و سیلیس، خمیر کائولین و پیشرفت در روش‌های پخت، ساخت سفالینه‌ها در ایران دوران باستان به نقطه اوج و شکوفایی خود رسید.

پس از سقوط ساسانیان و با آغاز دوره‌ی اسلامی در ایران، تولید ظروف سفالین لعاب‌دار در مراکز چون نیشابور، ری و کاشان (که در مسیر جاده ابریشم قرار داشتند) ادامه یافت.

تاریخچه و تحولات سفال در دوران اسلامی از نظر طبقه‌بندی انواع ظروف سفالین، کاشی‌ها و بررسی سیر تکامل آن در تاریخ هنر، اهمیت فراوانی دارد. با آغاز عصر سلجوقی سفال‌گری با الهام از شیوه‌های هنری پیش از اسلام رونق گرفت در این دوران شاهد رشد و ترقی در زمینه‌ی بکارگیری انواع لعاب‌ها و تکنیک‌های نوظهور در عرصه سفال‌سازی هستیم. بشقاب‌های معروف سامانی (نیشابور) یکی از مهم‌ترین دستاوردهای هنرمندان سده‌ی ششم هجری، در به‌کارگیری کتیبه‌های خوشنویسی کوفی به مشابه یک موتیف در تزئین نقاشی زیر لعابی بود. پس از حمله‌ی مغول، شیوه تولید سفالینه‌های مینایی و زرین فام به اوج شکوفایی خود رسید و حجم تولید انواع سفالینه‌ها در مراکز هم‌چون نیشابور، ری، کاشان، ساوه و گرگان بیش از هر زمان توسعه یافت. در دوران ایلخانی در جنبه‌های زیباشناسی، ویژگی‌های فنی، فرم تزئینات تحولات اساسی صورت پذیرفت. یکی از پرکاربردترین مضامین در تصویرگری سفال‌های این دوران، داستان‌های تغزلی، عاشقانه ایرانی بود که نشان از هم‌گامی ادبیات

و هنر در روزگار ایلخانان مغول بود. در میانه‌ی سده هفتم هجری ترسیم نقوش انسانی (چهره‌نگاری) و تصاویری از صحنه‌های درباری (پادشاه و ملازمان)، سواران، شکارگاه به شیوه واقع‌گرایانه و نقوش حیوان بر روی انواع ظروف و کاشی‌های زرین فام ساخت کاشان پدیدار شد. هم‌زمان تولید سفالینه‌ی با لعاب لاجوردین و تزئینات تازه‌ای هم‌چون طلا چسبان در سده‌های هفتم و هشتم هجری رونق یافت. ظهور تکنیک کاشی معرق، در دوره تیموری زمینه‌ساز به وجود آمدن سبکی تازه در عرصه‌ی تزئینات وابسته به معماری بود. در ابتدای سده دهم هجری و به قدرت رسیدن شاه عباس، یکی از آخرین دوران اوج هنر سفال‌گری تحت تاثیر چینی‌های وارداتی آبی و سفید از کشور چین به منصفه‌ی ظهور رسید و آثاری با جنس بدنه جدید و شیوه‌ی نقاشی التقاطی، سبک تازه‌ای در کار سفال‌سازی ایرانی در شهرهای کرمان و اصفهان پایه‌گذاری کرد. در دوره‌های افشاریه و زندیه شاهد اتفاق ویژه-ای در عرصه سفال‌گری نیستیم. در عصر زندیه، ساخت کاشی در هفت‌رنگ که سبک وسیاق نوینی داشت. در دوره قاجار نیز حجم تولید ظروف و کاشی ارتقا یافت. در عصر ناصریه به دلیل حمایت دربار، سفارش خریداران خارجی و خلاقیت هنرمندان آثار ممتاز و با کیفیتی از نظر لعاب و نقاشی زیر لعابی تولید گردید و تا پایان عصر قاجار ادامه یافت.

سفال‌گران دوره اسلامی، با ذوق و سلیقه در شکل‌بخشی، تزیین و حک نقوش مختلف در ارتباط با فرهنگ، ادبیات و پدیده‌های اجتماعی زمان خود نوآوری نموده‌اند. در ادوار اسلامی انواع نقوش انسانی، حیوانی، اسطوره‌ای، توأمان با طرح‌های هندسی، گیاهی و نوشته، بر روی سفال نقش گرفته و اشعار شعرای بزرگی، چون فردوسی، حافظ و مولانا و خیام بر سفالینه‌های گوناگون نقش بسته است. سفال‌های اسلامی گنجینه‌ی عظیمی هستند که عقاید مذهبی و جلوه‌های هنر و فرهنگ این دوران را به نمایش می‌گذارند. استفاده از آیات قرآن به صورت نقش کتیبه روی سفال‌ها نشان دهنده‌ی این واقعیت است که زندگی در جامعه‌ی اسلامی در همه‌ی ابعاد و با دین در آمیخته و سرزمین پهناور ایران، بستر بسیاری از تحولات عظیم تاریخی و اجتماعی بوده است و حکومت‌ها با استناد به آیات و روایات به حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود ادامه می‌دهند. پند و اندرز بزرگان دین و امامان (علیه السلام) بر روی ظروف سفالین، بر زندگی روزمره استناد کنندگان آن تأثیری گذارد. طبیعت با همه‌ی زیبایی توأم با نقش حیوانات، پرندگان و آبزیان، بر روی سفال نقاشی گردیده است.

بیان و طرح مسأله

سفال و سفال‌گری در دوران اسلامی، وارد مراحل جدیدی شد و در شیوه‌ی ساخت، تزیین و کاربرد آن تحولات چشم‌گیری پدیدار گردید. این تحولات در ارتباط با ادبیات، اقتصاد، خوشنویسی، نقاشی و تزئینات شکل گرفت و ساخته شد که دارای ویژگی‌های گوناگون می‌باشد که در طی ۱۵ قرن در شهرها و کارگاه‌های سفال‌گری سفال‌گران ایران با هنرمندی، کوزه‌گران و سفال‌گران ساخته و پرداخته شده است.

سفال‌گری ایران، در ادوار اسلامی کاملاً با دوره‌های متقدم خود تفاوت زیادی دارد و شایسته است به توسعه و گسترش این هنر والای اسلامی در ارتباط با دوره‌های تاریخی، سیاسی قرن گذشته و هم‌چنین شیوه‌های ساخت انواع سفالینه، تزئینات، کوره‌های سفال‌گری و مراکز مهم سفال‌گری، مفاهیم نقوش و انواع نقوش پرداخته شوند. گروه لعاب‌دار از نظر شکل، لعاب، طرح و نقوش سفالین دوره اسلامی که در وهل اول مهمترین مرحله‌ی کار سفال‌گر است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سفال‌گران از اوایل اسلام تا عصر حاضر از طرح و نقوش مختلف برای آرایش انواع ظروف سفالین این دوره استفاده کرده‌اند. در ساخت کاسه، کوزه، آبخوری، پیاله، ساغر، ابریق، جام، بشقاب، خمره، از خمیری به رنگ‌های قرمز، نخودی، خاکستری، استفاده شده است. گروه اول یعنی سفالینه‌ی بدون لعاب در برگیرنده‌ی انواع مختلفی، چون سفالینه‌ی بی‌لعاب ساده، سفالینه‌ی بی‌لعاب با نقش کنده،

سفالینه‌ی بی‌لعب بانقش قالب‌زده، سفالینه‌ی بی‌لعب با نقش افزوده است که درکارگاه‌های گوناگون سفال‌گری، از جمله نیشابور، ری، گرگان، ساخته شده‌اند. هنرمند سفال‌گرا از انواع طرح و نقوش متداول، مانند نقوش گیاهی، هندسی، خط کوفی، صحنه‌های رقص و نوازندگی و دیگر نقوش برای آرایش سفالینه استفاده کرده است. سفال‌گران دوره اسلامی در ساخت ظروف سفالین لعاب‌دار در انواع مختلف، سعی فراوان به کار برده‌اند. از اوایل اسلام هم‌زمان با نهضت‌ها و جنبش‌های ملی و تأسیس سلسله‌هایی، چون طاهریان و سامانیان درکارگاه‌های مختلف سفال‌گری، ساخت انواع سفالینه لعاب‌دار متداول گردید. در بررسی و تحقیقات سفالینه‌ی لعاب‌دار اسلامی معلوم گردیده است که بسیاری از شهرهای معروف این دوره مانند: ری، گرگان، ساوه، نیشابور، تخت سلیمان، ورامین، جزایر خلیج فارس از جمله سیراف، غبیرا، هرمز، قشم، کیش و نواحی حاشیه دریای خزر، چون آمل، ساری، گرگان، ساخت ظروف سفالین رواج داشته است.

در تولید انواع سفالینه، طرح و نقوش مختلف، چون نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی، پرندگان، آبیان، نقوش کتیبه‌ه- دار و دیگر طرح‌ها بوده است. لازم است یاد آوری شود که اوج ترقی و زیبایی سفالینه‌ی اسلامی را می‌توان در دوران کوتاه سلسله‌ی خوارزمشاهیان، سده‌ی ششم و هفتم هجری، مطالعه نمود (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۴-۲۵).

این پژوهش توصیفی- تطبیقی می‌باشد و با تأکید برخلاء مطالعاتی درباره‌ی سفال‌های موزه‌ی بیرجند خصوصاً سفالینه‌های اسلامی، با استناد به منابع تاریخی و اسناد مشابه و داده‌های موزه‌ی اکبریه‌ی بیرجند، ابتدا به معرفی پیشینه‌ی سفال اسلامی در ایران پرداخته و سپس سفالینه‌های متعلق به این موزه را پس از انجام مطالعات اولیه و مقایسات تطبیقی، مورد تحلیل قرار می‌دهد. این پژوهش با عکس برداری و طراحی سفال‌های اسلامی موزه اکبریه، به معرفی ویژگی‌های فنی و تزئینی سفالینه‌ها، انواع و تعداد آن‌ها و تکنیک‌های اجرا شده اشاره‌ای شده است و در نهایت نیز مقایسه‌ی تطبیقی از نظر رنگ، تکنیک و... بین سفال‌های موزه با سفالینه‌های اسلامی دیگر صورت گرفته است.

اهداف و افق‌های پژوهش

پژوهش حاضر با تمرکز بر روی اشیای سفالین موزه اکبریه‌ی بیرجند به خصوص در دوره‌ی اسلامی و تلفیق و تطبیق آن با آثار سفالین اسلامی مشابه به دنبال تأمین اهداف ذیل خواهد بود:

مطالعه‌ی سفالینه‌های موزه‌ی اکبریه بیرجند از لحاظ گونه‌شناختی با تکیه بر مؤلفه‌های تکنیک‌های ساخت، دوره و نقوش تزئینی و نوع کاربرد.

مقایسه‌ی تطبیقی و بررسی میزان تشابهات و تفاوت‌های موجود بین سفالینه‌های اسلامی موزه‌ی اکبریه و دیگر سفالینه‌های مشابه.

پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر با تکیه بر اسناد و اطلاعات تاریخی و آثار سفالین موزه‌ی اکبریه بیرجند که از طریق مشاهده و عکاسی صورت گرفته است در پی پاسخ‌گویی به دو پرسش مجزا است. پرسش نخست به تقسیم‌بندی سفالینه‌های موزه‌ی اکبریه بیرجند پرداخته و پرسش دوم با تلفیق مطالعات باستان‌شناختی از طریق تطبیق عکس‌های سفالینه‌های اسلامی مشابه هدف کلی تر برای معرفی و مقایسه‌ی هرچه بیشتر این مجموعه را دنبال می‌کند.

سفالینه‌های باغ موزه اکبریه از نظر گونه‌شناسی به چند نوع قابل تقسیم است؟

با مطابقت و مقایسه‌ی این سفالینه‌ها با نمونه‌های مشابهی آن مربوط به کجا و چه دوره‌ای هستند؟

فرضیات پژوهش

با استناد به پایان نامه‌ها و اسناد مشابه در مورد گونه‌شناسی آثار سفالین و هم‌چنین مشاهدات باستان‌شناسی، پرسش‌های ذیل در پاسخ به پرسش‌های فوق مطرح می‌گردد:

سفالینه‌های باغ‌موزه‌ی اکبری به انواع ساده، لعاب‌دار، لعاب‌دار با تکنیک لعاب پاشیده و تک رنگ تقسیم می‌شوند. این نمونه‌ها اکثراً مربوط به قرون سوم و چهارم هجری و با نمونه‌های مشابه نیشابور مطابقت می‌کنند.

روش و راه کارهای انجام پژوهش

اساس کار پژوهش حاضر بر دوروش مجزا استوار است. در بخش نخست به مطالعه و بررسی کلیه‌ی متون و اسناد منتشر شده پیرامون سفال اسلامی پرداخته شده است. در این بخش محور تحقیق پیشینه‌ی سفال اسلامی و ابعاد مختلف و انواع سفالینه‌ها می‌باشد. بخش دوم به مطالعه و بررسی داده‌های باستان‌شناختی به دست آمده و پس از انجام مراحل مختلف توصیف و ثبت، به گونه بندی و مقایسه‌ی تطبیقی آنان خواهد پرداخت. در این شیوه ملاک انجام مطالعات مشاهدات عینی بوده و هیچ‌گونه بررسی آزمایشگاهی را شامل نمی‌شود.

پیشینه و سوابق پژوهش

تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری پیرامون سفال و سفال‌گری، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های مناطق مختلف اعم از خراسان و مکان‌های مجاور صورت گرفته اما هیچ کدام به صورت اختصاصی و خاص به مطالعه‌ی سفال‌های موزه‌ی باغ اکبری بی‌چند نپرداخته‌اند؛ لذا بدین جهت ضرورت تدوین این پایان نامه امری مهم تلقی می‌شد تا به این وسیله ابعاد مختلف سفال‌های این موزه بررسی و آشکار گردد.

ابراهیم زارعی و شعبانی در پژوهش «بررسی و تحلیل گونه‌شناسی سفالینه‌های آغاز دوران اسلامی تا پایان دوره صفوی منطقه‌ی همدان» تعداد بیش از ۱۲ گونه‌ی سفالی دوران اسلامی در منطقه را مورد شناسایی قرار دادند. تمامی این گونه‌ها در بازه‌ی زمانی قرون نخستین اسلامی، قرون میانی و قرون متأخر قرار می‌گیرند. در قرون نخستین اسلامی سفالینه‌های ساده بی‌لعاب و اسگرافیاتو و غیره آمده است. سفالینه‌های قرون میانی انواع تک‌رنگ، بدون لعاب با نقوش قالبی و گونه‌های آبی و سفید اشاره می‌شود. آخرین گروه سفالینه‌ها، سفالینه‌های قرون متأخر است که تولید گونه‌هایی مثل آبی و سفیدهای دوران صفوی و سفالینه‌های منقوش روی لعاب با نقوش ناشیانه رواج می‌یابند.

هاشم حسینی و سمانه شیرخانی در پژوهش «درآمدی بر گونه‌شناسی نقوش انسانی سفالینه‌های زرین فام سده‌های میانی ری و کاشان» نزدیک به ۳۰ شی زرین فام سده‌های میانی اسلامی ایران که اکثراً در شهرهای کاشان و ری ساخته شده‌اند، انتخاب و به بررسی نقوش انسانی آن‌ها اقدام شده است. با انجام این پژوهش چنین استنباط می‌شود که نقوش انسانی سفال‌های زرین فام این محدوده‌ی زمانی در عین تکرار دارای چهارچوب معین، ترکیب‌بندی خاص و دسته‌بندی دقیق و مشخصی هستند که به آن‌ها پرداخته شده است.

میثم برابری و همکاران در پژوهش «بازخوانی ویژگی‌های فرمی و ساختاری طرح و رنگ در سفالینه‌های روستایی ساری سده‌های ۵ و ۴ ه. ق» را انجام دادند و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در قرون ۵ و ۴ ه. ق شاهد سبکی خاص در سفال‌گری منطقه، با

عنوان سفالینه‌های رنگارنگ با لعاب گلی روی زمینه سفید هستیم که محققان آن‌ها را سفال ساری م‌ی‌نامند و از نظر فرمی، غالب آثار بشقاب و کاسه است که با لعاب شفاف پوشش داده شده‌اند و بیشتر نقش‌ها را به ترتیب پرندگان و سپس چهارپایان تشکیل داده که با دیگر نقوش گیاهی و تجریدی همراه شده‌اند.

ابراهیم زارع و همکاران در پژوهش «طبقه‌بندی گونه سفال‌های لعاب‌دار قرن ۴ تا ۲ ه. ق کشف شده از شهر تاریخی بلقیس اسفراین کهن» مطالعاتی طبق مواد فرهنگی در شهر تاریخی اسفراین قرارداد پژوهشی درباره‌ی مفاهیم انسان‌شناسی فرهنگی و تحولات آن در فرایند حوادث تاریخی انجام داده‌اند.

سید رسول موسوی حاجی و همکاران در پژوهش «گونه‌شناسی و معرفی سفالینه‌های دوران اسلامی بلوچستان مکران جنوبی» به طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و مطالعات آماری پرداخته و نتایج حاصل از ارتباط فرهنگی این منطقه با خراسان بزرگ، سیستان و حوزه‌ی جازموریان را نشان می‌دهد و به لحاظ نقوش تزئینی و تزئین با رنگ نسبت به مراکز عمده‌ی سفال‌گری سطح پایین-تری دارند و بر آن است تا با مطالعه‌ی علمی و روشمند زمینه را برای روشن نمودن دوران اسلامی فراهم کند.

امیرانوری مقدم و همکاران در پژوهش «مقایسه‌ی تطبیقی نقوش سفالینه‌های محوطه‌ی کهنک شهرستان سربیشه با نقوش سنتی گلیم و قالیچه‌های ذهنی باف معاصرین شهرستان در استان خراسان جنوبی» به صورت توصیفی-تطبیقی پرداخته و نقوش استخراج شده‌اش را مطالعه و مورد مقایسه‌ی تطبیقی قرار داده و نتیجه‌ی آن نشان داد که رابطه‌ی معناداری میان نقوش سفالینه‌ها و دستبافته‌های سنتی منطقه وجود داشته و زمینه‌های اشتراکی فراوانی دارند. استفاده از نقوش و فرم‌های مشابه در سفال و دستبافته‌های منطقه نشان از تداوم و پیوستگی فرهنگی و همچنین شرایط زیست محیطی، اعتقادات و برداشت‌های آنان دارد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ۳۲ نمونه از ظروف سفالی اسلامی که در خزانه سفال موزه باغ اکبریه بیرجند نگهداری می‌شود و تاکنون اطلاعاتی در خصوص آن‌ها منتشر نشده است، مطالعه و بررسی شد. بدین ترتیب که نخست با استناد به منابع کتابخانه‌ای به شناخت این نوع سفال پرداخته و مستندنگاری (طراحی فنی و عکس‌برداری) این ظروف انجام شد و شناسنامه‌ی هر اثر (مشخصات ظاهری) جداگانه در کاتالوگ آورده شد. ضرورت این مسئله برای محققینی که قصد مطالعه این ظروف را دارند و امکان دسترسی و بازدید از این مجموعه را ندارند، قابل تأمل است. همچنین در راستای تاریخ‌نگاری و تعیین مراکز احتمالی ساخت ظروف مورد نظر، مطالعه تطبیقی هر اثر با توجه به نقش و فرم سفالینه‌ها، با مراجعه حضوری به موزه‌ی باغ اکبریه بیرجند و با مطالعه منابع کتابخانه‌ای، انجام شد. با توجه سوالات مطرح شده در فصل یک، پژوهشگر با مطالعه و مقایسه سفالینه‌های باغ موزه اکبریه بیرجند به نتایج ذیل دست یافت.

سوالات مطرح شده:

سفالینه‌های باغ موزه‌ی اکبریه از نظر گونه‌شناسی به چند نوع قابل تقسیم است؟

با مطابقت و مقایسه‌ی این سفالینه‌ها با نمونه‌های مشابه آن مربوط به کجا و چه دوره‌ای هستند؟

در پاسخ به سوالات مطرح شده فوق، نتایج بدست آمده توسط پژوهشگر به این شرح می‌باشد: این سفالینه‌ها از نظر گونه‌شناسی به انواع کتیبه‌دار، نقاشی روی لعاب، نقاشی زیر لعاب، نقش کنده، نقش قالب‌زده، نقش هندسی، نقش ترکیبی (هندسی حیوانی)، ترکیبی (هندسی گیاهی) تقسیم می‌شوند؛ و با مطابقت و مقایسه‌ی این سفالینه‌ها با نمونه‌های مشابه آن مربوط به دوره‌های

مختلف اسلامی و اکثراً دوره سلجوقی نیز می‌باشد. هم‌چنین این سفالینه‌ها از نظر سیر تحول تاریخی بسیار با اهمیت می‌باشد و از نظر فرم و نقش با نمونه‌های مشابه دوره‌های اسلامی نیز قابل مقایسه است.

نقوش ظروف مورد مطالعه شامل: هندسی، ترکیبی (حیوانی هندسی) و ترکیبی (گیاهی هندسی)، کتیبه‌دار، قالب‌زده، کنده است.

نقوش هندسی به کار رفته نظیر: خط قوس‌دار، نوارهای سیاه‌رنگ، دایره مختلف سفید رنگ، دایره هم‌اندازه سبزرنگ، نقش ترکیبی لوزی و دایره، خطوط هاشورزده‌موج‌دار، خطوط شکسته متوالی است. فراوانی در نقش هندسی دایره و خطوط شکسته است که به اشکال متنوعی ترسیم شده است.

نقش ترکیبی (گیاهی هندسی) شامل: گل چهارپر که در کف ظرف به شکل بشقاب نقش‌اندازی شده است؛ که در این نقش ظرف به چهار قسمت مساوی به شکل گل‌چهار پر به رنگ آبی لاجوردی تقسیم شده و در بین آن‌ها خطوط قوس‌دار و در لبه درونی ظرف نیز خطوط قوس‌دار و عمودی به رنگ لاجوردی می‌باشد؛ و در یک طرف از لبه‌ی درونی ظرف لعاب ظرف آسیب‌دیده و دچار پدیدگی شده است؛ و نقش گل‌آفتاب‌گردان که در کف ظرف به شکل بشقاب به صورت تک و در درون یک دایره نقش‌اندازی شده که در روی دایره در اطراف کف ظرف خطوط دایره‌ای شکل بریده شده به شکل نامنظم وجود دارد و در لبه‌ی درونی ظرف خطوط متقاطع مشاهده می‌شود؛ و نقش گل‌چندپر و خطوط شعاعی به رنگ آبی لاجوردی و سیاه در کف و اطراف آن وجود دارد و در لبه‌ی درونی ظرف خطوط زیکزاک‌ی به رنگ آبی لاجوردی و در بین این خطوط دایره سبزرنگ مشاهده می‌شود؛ و نقش نوارهای نوک‌تیز با گل‌های اسلیمی بر روی کاسه که در کف آن سه گل‌چهارپر بر روی هم به شکلی منظمی به رنگ آبی لاجوردی نقش‌اندازی شده است. در اطراف کف ظرف نوارهای نوک‌تیز و گل‌های اسلیمی داخل این نوارها به رنگ آبی لاجوردی و نخودی قابل مشاهده است؛ و در لبه‌ی درونی ظرف خطوط قوس‌دار کشیده شده، روی هم وجود دارد. در سطح بیرونی کاسه نیز خطوط موازی به رنگ آبی و سیاه و در بین آن، خطوط دایره‌ای شکل و در انتهای بیرونی ظرف فقط خطوط موازی مشاهده می‌شود. نقش گل‌چندپر و خطوط دالبری که در ظرف به شکل کاسه در کف آن به شکل یک گل و لبه‌ی درونی ظرف خطوط دالبری شکل وجود دارد، و در سطح بیرونی ظرف نقشی وجود ندارد.

نقش ترکیبی (هندسی حیوانی) شامل: ظرف بشقاب که نقش ماهی در کف ظرف و به تعداد سه تصویر ماهی کاملاً واضح و زیبا و کشیده در داخل دایره که در بین آن چند برگ مشاهده می‌شود؛ و اطراف لبه‌ی درونی ظرف نیز گل‌های (چهارپر) و ساقه‌هایی که بر روی آن‌ها گل‌های ریزی مشاهده می‌شود، هم‌چنین قسمتی از لبه‌ی درونی این بشقاب نیز شکسته شده است و سطح بیرونی ظرف فاقد نقش می‌باشد. ظرف کاسه که نقش چند پرند با گردن‌های کشیده به شکل شترمرغ و نامنظم در مرکز و حاشیه اطراف ظرف مشاهده می‌شود. در لبه‌ی درونی ظرف نیز خطوط شبه کتیبه به شکل منظم نقش‌اندازی شده است. و در سطح بیرونی ظرف خطوط به شکل لوزی وجود دارد.

نقش کتیبه‌دار شامل: ظرف کاسه که خط سریانی با عبارت دعایی بر روی ظرف قابل مشاهده می‌باشد. بدین صورت که در مرکز ظرف عبارت (وکاس) و در اطراف مرکز در قسمت بالای آن احتمالاً عبارت من معین نوشته شده است. من برعکس به شکل خنجر هلالی وجود دارد؛ و نقش کتیبه‌دار در ظرف به شکل کاسه که در مرکز آن احتمالاً عبارت ربی و در لبه‌ی درونی ظرف عبارت دعایی لابی، مکتوراً (حقوق دیگری بر گردنم و مغلوبیت بر من مخواه.) و در سطح بیرونی ظرف نقش دایره با خطوط موازی درون آن وجود دارد. **نقش قالب‌زده** شامل: ظرف گل‌دان با خطوط متوالی فرورفته در در اطراف لبه‌ی بیرونی قابل مشاهده است. این ظرف در قسمت میانی دچار شکستگی شده که ترمیم شده است. ظرف بشقاب در مرکز، داخل دایره، گل

چندپیر و در اطراف کف ظرف خطوط شعاعی نامنظم به شکل فرورفته، نقش‌اندازی شده است. سطح بیرون ظرف فاقد نقش می‌باشد.

نقش‌کننده شامل: ظرف کوزه با خطوط دالبری ریز و درشت بر روی سطح بیرونی قابل مشاهده است. ظرف کوزه با خطوط موج‌دار و دایره‌ای و موازی کوتاه به صورت نقش‌کننده در سطح بیرونی ظرف وجود دارد؛ و لبه‌ی درونی و دسته‌ی ظرف نیز دچار شکستگی شده است. ظرف لوله‌دار با خطوط متوالی به شکل عدد ۷ و ۸ مشاهده می‌شود. بشقاب با نقش گل‌آفتاب‌گردان که در مرکز آن گل‌چهارپیر نقش‌اندازی شده است. سطح بیرونی فاقد نقش می‌باشد. کاسه با نقش گل‌پنج‌پیر با خطوط دایره‌ای شکل در مرکز ظرف و اطراف لبه‌ی درونی نیز وجود دارد. سطح بیرونی فاقد نقش می‌باشد. کاسه با نقش گل‌برگ‌هایی به صورت جدا از هم در سطح بیرونی ظرف با خطوط نامنظم نقش‌اندازی شده است. سطح درونی ظرف فاقد نقش می‌باشد. ترکیب‌های رنگی سفال‌های دوره‌ی اسلامی موزه باغ اکبریه بیرجند مورد مطالعه شامل: رنگ‌های نخودی، سبزلجنی، آبی‌فیروزه‌ای، قهوه‌ای، شیرین‌رنگ، لاجوردی و ترکیب‌های دوتایی (سیاه، سفید) و (سیاه، نخودی) و (آبی، سیاه) و (نخودی، زرد) و (نخودی، قرمز) و ترکیب‌های سه‌تایی (سبز، قهوه‌ای، نخودی) و (آبی، سیاه، نخودی) و (لاجوردی، نخودی، سیاه) است. پس از توصیف هر اثر و بررسی جزئیات با نمونه‌های مشابه، در نهایت مشخص شد، احتمالاً سفال‌های که در موزه باغ اکبریه بیرجند نگهداری می‌شود، مربوط به سده‌های سوم تا پنجم هجری و دوره‌های سلجوقی، تیموری، ایلخانی، قاجار و قرون میانی می‌باشد. با توجه به مطالعات پژوهش‌گر، برخی از این ظروف در شهر نیشابور تولید شده است و مابقی ظروف دارای مکان تولید نامشخص می‌باشد.

پیشنهاد: با توجه به اهمیت و ارزش‌مندی تحقیقات علمی خصوصاً پروژه‌های میدانی لازم به نظر می‌رسد، مسئولین اداره میراث فرهنگی شهرستان، همکاری لازم و به‌موقع جهت تسریع در انجام این مطالعات باستان‌شناختی توسط دانشجویان علاقمند به مطالعه در این حوزه را داشته باشند.

منابع و مآخذ

۱. افشار، ایرج؛ کاشانی، ابوالقاسم عبدا. . بن علی. (۱۳۸۶)، «عرایس الجواهر ونفایس الاطایب»، تهران: انتشارات المعیف چاپ اول، ص ۳۵
۲. اکبری، تیمور، (۱۳۹۷)، «سفال زرین فام»، انتشارات الگو (ناشرهم‌پا)، نوبت چاپ اول، ص ۳۸
۳. آلن، جیمز ویلسن، (۱۳۸۳)، «سفال‌گری اسلامی»، ترجمه‌ی مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، صص ۱۰-۵۰
۴. اوری، پیترو؛ هامبلی، گاوین؛ ملویل، چارلز. (۱۳۸۸)، «هنرهای سده‌ی ۱۸ و ۱۹ ایران تاریخ ایران کمبریج»، جلد هفتم، مترجم مرتضی ثاقب‌فر، تهران: انتشارات جامی، چاپ اول، ص ۵۵۷.
۵. بهرامی، مهدی. (۱۳۲۷)، «صنایع ایران ظروف سفالین»، تهران: دانشگاه تهران، صص ۴۵-۵۷.
۶. پوپ، آرتور اپهام، اکرم‌ن. فیلیس و دیگران. (۱۳۸۵)، «سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز»، مترجم نجف دریا بندری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۲۱-۱۵
۷. تفرشی، مریم: «بررسی نقوش کاربردی در ظروف دوره سلجوقی، ایلخانی، تیموری». ص ۴۳، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی- دانشکده هنر معماری، ۱۳۹۵.
۸. توحیدی، فائق. (۱۳۷۹)، «هنر و فن سفال‌گری»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) ص ۲۸۸.
۹. خلیلی، ناصر. (۱۳۸۴)، «سفال اسلامی»، سرویراستار انگلیسی جولیان رابی مترجم فارسی فرناز حایری، مجموعه هنر اسلامی، ج ۷، تهران: نشر کارنگ، ص ۳۱۱.
۱۰. دیمانند، موریس اسون، (۱۳۹۰)، «راهنمای صنایع اسلامی»، مترجم عبدا. . فریار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۷۱
۱۱. رجیبی محمد علی؛ نفیسه، موسوی؛ (۱۳۸۷)، «بررسی شیوه طراحی و جای‌گیری نقوش در سفالینه‌های منقوش دوره‌ی ایلخانی»، نشریه نگره دانشگاه شاهد سال چهارم، شماره ۸ و ۹، صص ۲۶-۲۹.
۱۲. رفیعی، لیل، (۱۳۷۸)، «سفال ایران از دوره پیش از تاریخ تا عصر حاضر»، چاپ اول انتشارات یساولی، صص ۳۷-۴۵
۱۳. روح فر، زهره (۱۳۸۱)، «تجزیه لعاب سفید و آبی براساس آزمایش پیکسی». مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال شانزدهم شماره ۲، پیاپی ۳۲، ص ۴۸.
۱۴. زحمت‌کش، زهرا؛ شریعت پناهی و دکتر سید ماهیار، (۱۳۹۵) «سیر تحول سفال‌گری در دوره تیموریان»، باستان‌شناسی ایران ش ۱۱ (۱۲ صفحه - از ۵۶ تا ۶۷).
۱۵. زکی، محمد حسن. (۱۳۸۴)، «چین و هنرهای اسلامی»، ترجمه غلام رضا تهامی. تهران: انتشارات فرهنگ‌سرای هنر، چاپ اول، ص ۱۷۵
۱۶. سهیلی اصفهانی، بهروز؛ مراثی، محسن. (۱۳۹۵)، «مطالعه‌ی پنج اثر منتخب از سفال نیشابور مربوط به قرون ۲ تا ۴ ه. ق در تطبیق با اندیشه‌های هنرمینیمال»، نشریه مطالعات تطبیقی هنر سال ششم، شماره ۱۲، ص ۱۱

۱۷. شاطری، میترا و حیدری، زهرا (۱۳۹۴). «سفال گونه نقاشی زیرلعاب با استناد به کتاب عرایس الجواهر و نفایس الاطایب»، نگارینه هنر اسلامی پاییز و زمستان ۱۳۹۴ - شماره ۷ و ۸ (ISC ۱۲) صفحه - از ۳۰ تا ۴۱).
۱۸. شایسته فر، مهناز (۱۳۸۶) «نقش‌مایه‌های تزئینی سفالینه‌های دوره‌ی ایلخانی موزه ایران باستان»، مطالعات هنرهای تجسمی، شماره ۲۷، صص ۲۹-۲۲.
۱۹. شرآتو، امبرتو؛ گروبه، ارنست، (۱۳۷۶). «هنرایلخانی وتیموری»، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، ص ۸۴
۲۰. علام، نعمت اسماعیل. (۱۳۸۷) «هنرهای خاورمیانه دردوران اسلامی»، ترجمه عباسعلی تفضلی. مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، ص ۲۸۲
۲۱. فریه، ر. دلبلیو؛ (۱۳۷۴). «هنرهای ایران»، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: نشر پژوهش فروزان روز، مجموعه هنر، ص ۲۶۵
۲۲. فهوری، گزا، (۱۳۸۸). «سفال‌گری جهان اسلام درموزه طاق رجب کویت»، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: موسسه مطالعات هنراسلامی، چاپ اول، ص ۷۵
۲۳. قاسمی، زهرا: «تبیین ویژگی‌های هنری ظروف سفالی وسرامیکی دوره‌ی قاجار». وزارت علوم و تحقیقات و فناوری- دانشگاه شاهد (هنر)، صص ۱۵۷-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۵، دانشکده هنر، آبان ۱۳۹۰.
۲۴. قوچانی، عبدالله. (۱۳۶۴)، «کتیبه‌های سفال نیشابور»، موزه رضا عباسی، چاپ اول، تهران: شرکت افست (سهامی عام)، ص ۴
۲۵. کاتلی، مارگریتا. لویی هامبی، (۱۳۹۴)، «هنرسلجوقی و خوارزمی»، مترجم یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی، چاپ چهارم، ص ۲۱۲
۲۶. کاظمی، خدیجه؛ محمدیان، فخرالدین؛ موسوی حاجی، سید رسول. (۱۳۹۶)، مطالعه نقش‌مایه‌های هندسی سفالینه‌های دوران میانی اسلام، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، دوره ۲۲، شماره ۴، صص ۱۰۰-۸۷
۲۷. کامبخش فرد، سیف. ا. . . (۱۳۹۲). «سفال وسفال‌گری درایران ازابتدای نوسنگی تا دوران معاصر»، انتشارات ققنوس، چاپ پنجم، ص ۴۲۷
۲۸. کریمی، فاطمه وکیانی، محمد یوسف. (۱۳۶۴). «هنر سفال‌گری دوره اسلامی ایران»، ناشران: دانشکده علوم توانبخشی، مرکز باستان‌شناسی ایران، چاپ اول، ص ۶۳
۲۹. کونل، ارنست. (۱۳۸۷)، «هنراسلامی»، مترجم هوشنگ طاهری. تهران: انتشارات توس، چاپ هفتم، ص ۶۵
۳۰. کیانی، محمد یوسف، (۱۳۷۷)، «پیشینه‌ی سفال وسفال‌گری درایران»، تهران: انتشارات نسیم دانش. چاپ اول، ص ۴۸
۳۱. گرجستانی، سعید. (۱۳۹۲)، «آموزش هنرفن سفال وسرامیک»، تهران: انتشارات دانشگاه هنر، چاپ سوم، ص ۲۴۲
۳۲. گروبه، ارنست. (۱۳۸۴)، «سفال اسلامی مجموعه ناصر خلیلی»، مترجم: فرناز حایری، تهران: انتشارات کارنگ، چاپ اول.
۳۳. م. انوشفر، عربعلی شروه، (۱۳۸۵). «لعاب - کاشی - سفال»، تهران: انتشارات جاودان خرد، ص ۳۰
۳۴. محمد حسن، زکی. (۱۳۷۷)، «هنرایران در روزگار اسلامی»، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی. تهران: انتشارات صدای معاصر، چاپ اول، ص ۱۷۵
۳۵. محمدی فر، یعقوب؛ بلمکی، بهزاد. (۱۳۸۷)، «هنر سفال‌گری دردوره‌ی صفویه، بررسی تکنیک‌ها ونقش مایه‌های هنری»، هنرهای زیبا، شماره ۳۵؛ صص ۹۳-۱۰۲،

۳۶. ملک شه میرزادی، صادق. (۱۳۹۱)، «ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی»، تهران: انتشارات سبحان نور، چاپ اول، ص ۲۵

۳۷. موخواه، آذر: «بررسی نقوش روایت‌گری در سفالینه‌های عصر سلجوقی تا پایان دوره تیموری». صص ۱۲۳-۱۲۸، دانشگاه شاهد- دانشکده هنر، ۱۳۸۸.

۳۸. میرعباسیان، میرمحمد، (۱۳۹۷) «کتاب تاریخ سفال و کاشی در ایران»، تهران: انتشارات گوتنبرگ، چاپ دوم، ص ۹۰

۳۹. نصری، اسماعیل؛ صالحی کاخکی، احمد؛ شایگان‌فر، نادر. (۱۳۹۹)، «مطالعه جایگاه اشعار فارسی در سفال زرین‌فام سده‌های میانه‌ی کاشان با نگاهی به آثار موزه‌ی آگینه و سفالینه‌های ایران»، نشر: کاشان‌شناسی دوره ۱۳، شماره ۱ (پیاپی ۲۴) ص ۳۸.

۴۰. نوری، نجمه: «بررسی و مطالعه تطبیقی مجموعه سفال‌های گلابه‌ای منقوش رنگارنگ خزانه موسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد»، ص ۱۷، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری- دانشگاه هنر اصفهان- دانشکده حفاظت، مرمت اشیاء و ابنیه‌ی تاریخی، کارشناسی ارشد، ۱۳۹۳.

۴۱. واتسون، آلیور. (۱۳۹۱)، «سفال زرین‌فام ایرانی»، مترجم: شکوه ذاکری، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم، ص ۱۴۱

۴۲. ورنویت. استیون؛ خلیلی ناصر. د، (۱۳۸۳). «گرایش به غرب در هنر (قاجار، عثمانی و هنر)» مترجم: پیام بهتاش، جلد ۶، نشر کارنگ، تهران: ۱۳۸۳، ص ۲۱۴

۴۳. وولف، هانس. (۱۳۸۹)، «صنایع دستی کهن ایران»، ترجمه سیروس ابراهیم زاده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ص ۱۲۵

۴۴. ویلسن آلن، جیمز، (۱۳۸۷)، «سفال‌گری در خاورمیانه از آغاز تا دوران ایلخانی در موزه اشمولین آکسفورد»، مترجم: دکتر مهناز شایسته‌فر، ناشر: موسسه مطالعات هنر اسلامی، ص ۳۸

45. A. Lane/ Later Islamic pottery/ faber & faber/ London/ 1957:pp 100-101

46. Blair, Sheila Bloom, Jonathan 1994, The Art and Architecture of Islam 1250-1800, New Haven and London, University Press, London, p 122

47. Fehervari, Geza. 2000. Ceramics of the Islamic world in the Taregh Rajab: pp12-27

48. Fehervari, Geza. 2000. Ceramics of the Islamic world in the Taregh Rajab: p113

49. Fehervari, Geza 1973. "Pottery of the safavid & Qajar periods in IRAN (Islamic pottery, a comprehensive study based on the Barlow Collection), London: Faber & Faber, pp 34-35-134

50. Geza Fehervari, 1998 "Pottery of the Islamic World", Kuwait, Tareq Rajab Museum, pp 60-61.

51. Hillen brand, Robert. 1994, The Relationship between book painting and luxury ceramics in 13th century Iran, in the art of saljugs in iran and Anotolia, pp 78-89

52. James Allen, 2005 Medieval Middle Eastern, pottery, oxford, Ashmolean Museum, 197: 36

53. Lewis. B. 1976 "The world of Islam, thames & Hudson Ltd, London, p 31

54. Mason, Robert, B. J. Farquhar, R. M. & Patrick E. Smith. 1992, "Lead Isotope Analysis of Islamic GL=es an Exloratory study ". In Muqarnas, vol,9. pp 67-71

55. proceeding of a symposium Held in Edinburg in 1982, Mazda, CaLifornia, 3, pp 134-145

56. Watson, Oliver. 2004 "Ceramics from Islamic Londs, the alsabah collection, Kuwait National Museum, United Kingdom Thumes & Hudson, pp 36-117

57. Watson, Oliver. 2004“Ceramics from Islamic Londs, the alsabah collection, Kuwait National Museum, United Kingdom Thumes & Hudson,pp 26-384
58. Wilkinson, Charles k. 1973“ Nishapur: Pottery of the Early Islamic period, New York: The Metropolitan Museum of Art,p 78
59. Wilkinson, Charles k. 1973 “ Nishapur: Pottery of the Early Islamic period, New York: The Metropolitan Museum of Art,pp 157-118-120-384

منابع اینترنتی

۶۰. وب سایت [www. bonhams. com](http://www.bonhams.com) بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۲/۱۸
۶۱. وب سایت [www. ebay. com](http://www.ebay.com) بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۲۵
۶۲. وب سایت [www. metmuseum. org](http://www.metmuseum.org) بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۴/۳
۶۳. وب سایت [www. catawiki. com](http://www.catawiki.com) بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۲۹
۶۴. وب سایت [www. ahoonsultan. blogspot. com](http://www.ahoonsultan.blogspot.com) بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۲۸
۶۵. وب سایت [www. christies. com](http://www.christies.com) بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۲۶
۶۶. وب سایت [www. bukowskis. com](http://www.bukowskis.com) بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۲۶